گزارشی از ثبت «قنات» ایرانی در ردیف میراث جهانی یونسکو

بستر زاینده فرهنگی

مجید لباف خانیکی | کارشناس پژوهشی مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی

قنات عبارت است از مجموعه‌ای از چند میله چاه و یک کوره (یا کوره‌های) زیرزمینی که با شیبی کمتر از شیب سطح زمین، آب موجود در لایه (یا لایه‌های) آبدار مناطق مرتفع زمین را به کمک نیروی ثقل و بدون کاربرد هیچ نوع انرژی اضافی، با جریان طبیعی جمع‌آوری می‌کند و به نقاط پست‌تر می‌رساند. در یک نگاه شاید قنات را تکنیکی بسیار ساده برای استحصال آب‌های زیرزمینی بدانیم. ظاهرا قنات چیزی جز تونلی افقی با تعدادی چاه‌های عمودی نیست، تونلی که انتهای آن در سفره آب زیرزمینی فرورفته و آب را به سمت سطح زمین زهکش می‌کند. اما این تونل در لایه‌های گوناگون زمین حفر می‌شود و با شرایط متنوعی روبه‌روست که مهارت و دانش گسترده‌ای را طلب می‌کند. قنات را شاید بتوان یکی از پیچیده‌ترین فنون بومی دانست که اجرای آن مستلزم آگاهی از رفتار طبیعی آب‌های زیرزمینی، تشکیلات زمین‌شناسی و... است. آنچه یونسکو را مجاب کرد تا قنات ایرانی را در فهرست میراث جهانی قرار دهد، مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌های ملموس و ناملموس این فناوری کهن بود که به خوبی تشریح و توجیه شد.

ارزش‌های ملموس قنات یا همان جاذبه‌های ساختاری و فیزیکی قنات، نخستین عناصری هستند که در مورد قنات مطرح می‌شوند و توجه گردشگران را جلب می‌کنند. همین جاذبه‌ها به‌عنوان میراث ملموس قنات شناخته می‌شوند. قنات‌ها در ساختار و سازوکار کلی با یکدیگر همانند به‌نظر می‌رسند ولی در جزییات فنی یا مدیریتی تفاوت‌های مهمی دارند. این تفاوت‌ها به شرایط جغرافیایی مناطق مختلف مربوط می‌شود. شکل هندسی چاه‌ها و راهروها، عمق و طول قنات، نوع سازه‌های جنبی قنات و... همگی تابعی از شرایط زمین‌شناختی و خاک منطقه هستند و حتی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و تولیدی نیز بر شکل قنات‌ها تأثیر می‌گذارند. بنابراین در برخی از مناطق، قنات‌های بسیار طولانی یا بسیار عمیق یافت می‌شود و در برخی مناطق قنات‌هایی با چاه‌های مستطیلی، قنات‌هایی با بند زیرزمینی یا قنات‌های دوطبقه دیده می‌شود. در پرونده پیشنهاد شده به یونسکو تلاش شده بود از دیدگاه ارزش‌های ملموس، تنوع گسترده‌ای از قنات ایرانی ارایه شود. به‌عنوان مثال قنات قصبه گناباد به دلیل عمق زیاد و قنات زارچ به خاطر طولی که به حدود ۸۰ کیلومتر می‌رسید، انتخاب شده بود. قنات‌های دیگر به دلیل داشتن راهروی دوطبقه، بند زیرزمینی، آبدهی گسلی و... انتخاب شده بودند. تنوع در ارزش‌های ملموس، بازتاب تنوع در شرایط جغرافیایی و اقلیمی سرزمین ایران بود که خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تمایز قنات ایرانی قلمداد می‌شود.

در پرونده پیشنهادی به یونسکو بر این موضوع نیز تأکید شده بود که قنات تنها یک تکنولوژی نیست، بلکه بستر زاینده فرهنگی است که در طول تاریخ در فلات مرکزی ایران نقش مهمی ایفا کرده است. جاذبه‌های غیرفیزیکی و میراث ناملموس، جلوه‌های گوناگون همین فرهنگ هستند. ویژگی‌های ساختاری قنات که با سایر منابع آب تفاوت ماهوی دارد، به پیدایش نوع خاصی از نظام‌های تولید منتج شده است. قنات، ساختاری آسیب‌پذیر دارد و همواره نیازمند نگهداری و رسیدگی است و از طرف دیگر آب حاصل از قنات محدود است. این دو ویژگی اصلی به یکجانشینی، مشارکت، تعاون و نظام‌های پیچیده تقسیم آب منتهی شده است. از این نقطه به بعد پا در عرصه جامعه و فرهنگ می‌گذاریم، زیرا همه این ویژگی‌های فنی و نتایج اقتصادی آن به پیدایش ساختارهای اجتماعی و خصلت‌های فرهنگی متمایز ختم می‌شود که مجموعه همه آنها را می‌توان تمدن قناتی نامید.

یکی از ارزش‌های ناملموس قنات که در این پرونده مورد توجه قرار گرفته بود، مهندسی بومی قنات بود. قنات معمولا ساختار گسترده‌ای دارد و گاهی طول آن به ده‌ها کیلومتر می‌رسد. در این مسیر طولانی از سازندهای گوناگون زمین‌شناسی عبور می‌کند و با شرایط و موانع متفاوت روبه‌رو می‌شود. بنابراین استادکاران قنات در رویارویی با همه این موانع و شرایط به گنجینه ارزشمندی از دانش بومی دست یافته‌اند که نتیجه تجربه و آزمون نسل‌های پی‌درپی است. این دانش بومی با کمترین خطا آب را از ده‌ها کیلومتر دورتر به زمین‌های تشنه می‌رسانده است. در بسیاری از قنات‌هایی که صدهاسال پیش حفر شده‌اند، هیچ نوع خطای فنی دیده نمی‌شود. این واقعیتی است که مقنی‌ها خود به آن اذعان دارند و گاهی حفاری‌های قدیمی را به شخصیت‌های اسطوره‌ای یا غیرزمینی مثل طاهر آبشناس نسبت می‌دهند. مسلما همه قنات‌ها را انسان‌های عادی حفر کرده‌اند و این دقت فنی را تنها می‌توان به معجزه هوش گذشتگان در شناخت طبیعت و سازگاری با آن نسبت داد. همین گنجینه فنی و علمی که در پس قنات پنهان شده را می‌توان در زمره عجایب تمدنی بشر قلمداد کرد.

همچنین نظام مدیریت سنتی آب قنات نیز از مهم‌ترین ارزش‌های ناملموس قنات است که به بهترین شکل تکامل یافته و پایداری قنات را تضمین می‌کند. در این نظام مدیریتی، بازدهی استفاده از آب قنات تا حد قابل توجهی افزایش یافته، از طرفی امکان هر گونه اختلاف بر سر آب کاهش می‌یابد. نظام مدیریت سنتی آب قنات از سه عنصر اصلی تشکیل شده است که عبارتند از مالکیت و امور حقوقی، واحدهای تقسیم آب و سازمان میرابی. این نظام مدیریتی به تولید نوعی سرمایه اجتماعی ختم شده است که در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی مردمان مناطق قناتی، جریان دارد.

قنات جای پای خود را در فرهنگ عامه نیز باقی گذاشته، زیرا در بسیاری از مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران قنات در مرکز آبادی و زندگانی بوده و حیات بدون این فناوری متصور نبوده است. بنابراین می‌توان به وضوح جلوه‌های فرهنگی فناوری قنات را در این مناطق مشاهده کرد. گذشته از واقعیت‌های تاریخی در مورد ابداع قنات، افسانه‌ها و اسطوره‌های زیادی در مورد پیدایش این فناوری وجود دارد که بیانگر ریشه‌های عمیقی است که قنات در عمق فرهنگ و باورهای جمعی تنیده است. با توجه به همه این ارزش‌های ملموس و ناملموس می‌توان گفت قنات، جلوه سازگاری پایدار انسان با محیط زندگی‌اش است. در بسیاری از مناطق خشک و نیمه‌خشک، در طول صدها و بلکه هزاران سال انسان توانسته است از طریق فناوری قنات امکان ظهور و رشد تمدن‌های بزرگی را پدید آورد. بنابراین قنات همواره مورد توجه مراکز فرهنگی جهان از جمله یونسکو بوده است. قنات ویژگی‌های مورد نظر یونسکو برای ثبت در فهرست آثار جهانی را دارد. قنات، یک فناوری تاریخی است و نتیجه تراکم دانش و تجربه در طول قرن‌ها تکامل خود است. این فناوری کاملا زیست‌محیطی است و استحصال آب از طریق قنات هرگز باعث نابودی منابع ارزشمند آب و خاک نمی‌شود. قنات می‌تواند به ایجاد و رشد سرمایه اجتماعی کمک کند، زیرا استحصال و تقسیم آب در میان سهامداران از طریق نظام پیچیده مدیریت قنات صورت می‌گیرد و این نظام حس همکاری و همگرایی اجتماعی را تقویت می‌کند. با توجه به این که در مناطق خشک، آب ارزشمندترین نهاده تولید است، نهادهای خیریه و اقدامات نوع‌دوستانه از طریق قنات صورت می‌پذیرد که به صورت آب‌های وقفی تجلی پیدا می‌کند. قنات نوعی اکولوژی انسانی پدید می‌آورد که همه عناصر آن در ارتباطی نظام‌مند و پایدار به سر می‌برند. قنات تمدنی را بنیان نهاده که به تمدن قناتی شهرت یافته است، تمدنی سختکوش، قانع، صبور و صلح‌جو. به اعتقاد پیندا و بربیا، فرهنگ قنات با فضاهای فرهنگی بدو (Bedu) در پترا و وادی رام که در سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشر به ثبت رسیده‌اند، قابل مقایسه است. درنهایت قنات فقط به‌عنوان ارزش تاریخی و موزه‌ای مطرح نیست، بلکه حتی امروزه بسیاری از مناطق روستایی و فعالیت‌های کشاورزی برمبنای آب حاصل از قنات ادامه وجود می‌دهند. همه این ویژگی‌ها، قنات را سزاوار ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو کرده است. به همین دلیل سازمان میراث فرهنگی کشور با همکاری مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی در سال ۱۳۹۳ پرونده‌ای را جهت ثبت چند قنات شاخص ایران آماده و تسلیم یونسکو کردند. هر چند پیش از ایران، کشور عمان اهمیت این موضوع را دریافته و موفق شده است ۵ رشته از قنات‌های آن کشور را به ثبت فهرست میراث جهانی یونسکو برساند که عبارتند از: قنات الختمین (به‌طول ۲۴۵۰ متر)، المالکی (به‌طول ۱۴۸۷۵ متر)، دارس (به‌طول ۷۹۹۰ متر)، جیلا، المیسر (به‌طول ۵۷۸۳). یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های دولت عمان برای ثبت این قنات‌ها، رونق بخشیدن به گردشگری و استفاده از این فناوری بومی آب برای جذب بازدیدکنندگان بیشتر بوده است. اتفاقا یکی از اشکالاتی که توسط کمیته فنی یونسکو (ایکوموس) به پرونده قنات ایرانی وارد شد، این بود که قنات قبلا توسط عمان به ثبت رسیده و تفاوتی میان این دو پرونده دیده نمی‌شود. مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی در پاسخ به این اشکال، اذعان داشت: قنات‌های عمان در سه گروه قنات‌های عینی، غیلی و داوودی طبقه‌بندی می‌شوند که بیش از ۷۰ درصد از قنات‌های آن کشور را قنات‌های عینی و غیلی تشکیل می‌دهند. قنات‌های عینی و غیلی درواقع با تعریف قنات در ایران تفاوت دارند زیرا اساسا ارتباطی با آب زیرزمینی نداشته و صرفا کانال‌هایی هستند که منابع دیگر آب از قبیل آب رودخانه یا چشمه را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر منتقل می‌کنند. محتوای علمی و فنی پرونده ثبت قنات ایرانی عموما توسط مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی فراهم شده بود که البته در مراحل ارزیابی و بررسی توسط ایکوموس نیز مورد پشتیبانی و حمایت علمی این مرکز قرار گرفت.

> **قنات تنها یک تکنولوژی نیست، بلکه بستر زاینده فرهنگی است که در طول تاریخ در فلات مرکزی ایران نقش مهمی ایفا کرده است. جاذبه‌های غیرفیزیکی و میراث ناملموس، جلوه‌های گوناگون همین فرهنگ هستند. ویژگی‌های ساختاری قنات که با سایر منابع آب تفاوت ماهوی دارد، به پیدایش نوع خاصی از نظام‌های تولید منتج شده است**

پیش از این، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) قنات را در فهرست میراث جهانی کشاورزی ثبت کرده بود و تصور عمومی کمیته فنی یونسکو (ایکوموس) نیز این بود که قنات درواقع یک تکنیک آبیاری و کشاورزی است. به همین دلیل انتظار داشتند تا زمین‌های کشاورزی مرتبط با قنات‌های پیشنهادی را نیز به‌عنوان بدنه و مکانیسم اصلی قنات درنظر گرفته و در حریم درجه یک قرار دهیم. اما در پاسخ‌های مرکز بین‌المللی قنات روشن شد که قنات معمولا از آبدهی یکنواخت برخوردار نیست و متناسب با میزان بارندگی سالانه و ذخیره سفره آب زیرزمینی از نوسان آبدهی برخوردار است. یکی از ویژگی‌های زیست‌محیطی قنات این است که با ذخیره سفره، فشاری بر منابع آب زیرزمینی وارد نمی‌شود، بلکه متناسب با ذخیره سفره، آبدهی قنات نیز کاهش می‌یابد. استراتژی ساکنان منطقه همواره این بوده است که با کاهش آبدهی قنات، از مساحت سطح کشت بکاهند و الگوی کشت را نیز به‌گونه‌ای تغییر دهند که محصولات با نیاز آبی کمتر کاشته شوند. به عبارت دیگر، قنات باعث می‌شده مردم بتوانند خود و نیازهایشان را با طبیعت سازگار کنند، نه این که بر عکس طبیعت را با نیازهایشان سازگار کنند. به این ترتیب، مساحت زمین کشاورزی مرتبط با قنات ثابت نبوده و متناسب با آب موجود تغییر می‌کرده است. لذا امکان قرار دادن آن در حریم درجه یک وجود ندارد. از طرف دیگر قنات، صرفا تکنیک آبیاری نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عناصر حیات شهری است که آب مورد نیاز برای شرب و بهداشت شهرهای بیابانی را نیز تأمین می‌کرده است. قنات آب‌انبارها را برای تأمین آب آشامیدنی پر می‌کند، آب مورد نیاز برای بهداشت و شست‌وشو در اختیار می‌گذارد، انرژی آسیاب‌ها را برای تولید آرد تأمین کرده و فضای مطبوعی در پایاب‌ها و سرداب‌ها ایجاد می‌کند. این کارکردها از طریق سازه‌های مرتبط با قنات صورت می‌پذیرند و شناخت این سازه‌ها به گردشگری قنات پویایی، نشاط و تنوع بیشتری می‌بخشد.

توضیحاتی از این دست توانست کمیته فنی (ایکوموس) را مجاب کند تا پرونده قنات ایرانی را برای تصمیم‌گیری نهایی به یونسکو ارجاع نماید. درنهایت این پرونده در اجلاس میراث جهانی یونسکو در شهر استانبول در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۹۵ به رأی کشورهای عضو یونسکو گذاشته شد.

این پرونده در ردیف معدود پرونده‌هایی قرار گرفت که با اکثریت قاطع کشورهای عضو یونسکو به ثبت میراث جهانی یونسکو رسید. قنات‌هایی که به‌صورت سریالی در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیدند عبارتند از: قنات قصبه گناباد، قنات بلده فردوس، قنات ابراهیم‌آباد اراک، قنات مزدآباد، قنات وزوان، قنات ارونه، قنات مون، قنات زارچ یزد، قنات حسن‌آباد مشیر، قنات جوپار کرمان، قنوات شیخی و قنبرآباد بم و قنات اکبرآباد.

یادداشت

نگاهی به تاثیرگذاری میراث فرهنگی در سرمایه‌گذاری اقتصادی

موتور ضروری توسعه اقتصادی

رویا پالای | کارشناس ارشد مدیریت اجرایی

ثبت میراث راهی برای شناخت و حفاظت از ارزش خواص تاریخی است. حفظ خواص میراث به ما کمک می‌کند بخش قابل توجهی از تاریخ یک مکان را تجربه کنیم و در واقع راهی است برای ارتباط با کسانی که قبل از ما آمده‌اند و نیز درک دانشی که آهسته و پیوسته ارتقا یافته و به اوج رسیده است.

شناخت ارزش‌های نهفته در میراث بومی باعث می‌شود مردم شروع به مراقبت و لذت بردن از میراث فرهنگی خود کنند و این میراث است که پشتوانه مهم گردشگری به حساب می‌آید و از آن‌جا که گردشگران بخش عمده‌ای از کالاها و خدمات را استفاده می‌کنند، حیات نوینی به بخش‌های اقتصادی می‌دهند. میراث فرهنگی، مهم‌ترین منبع غنی فرهنگ و هویت هر جامعه است که دارای ارزش‌های اقتصادی نیز است.

امروزه، گردشگری بخشی کلیدی از اقتصاد هر منطقه است. همان‌طور که رشد اقتصادی اروپا تا حدود زیادی بر دوش صنعت گردشگری آن است و با توجه به بهره‌برداری مناسب از میراث فرهنگی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بیش از ۸ میلیون شغل در اروپا ایجاد کرده است.

ثبت جهانی میراث، راهی برای تجدید حیات کل منطقه است و علاوه بر بهبود تصویر یک مکان نسبت به آنچه از قبل در اذهان بوده است، با افزایش شهرت ناشی از این اتفاق می‌تواند همچون آهنربایی افراد خلاق و مستعد را از سراسر دنیا جذب کند و به توسعه کسب و کارهای مختلف به‌ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط محلی رونق ببخشد.

سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی را باید به عنوان بخشی از برنامه‌های گسترده به نفع توسعه اقتصادی دانست. در این راستا، نسل جدیدی از سرمایه‌گذاری آغاز می‌شود که بازده مورد انتظار از این سرمایه‌گذاری‌ها به رشد پایدار اقتصادی، فرصت‌های شغلی، توزیع عادلانه منافع در میان جوامع محلی درگیر در پروژه و همچنین اثرات مثبت بر هویت منطقه‌ای و تنوع فرهنگی خواهد انجامید. اگر برنامه‌های گردشگری محلی به‌خوبی برنامه‌ریزی و مدیریت شود به بهبود اقتصاد محلی و افزایش کیفیت زندگی محلیان نیز منجر می‌شود.

مهم‌ترین حادثه‌ای که با گسترش گردشگری اتفاق می‌افتد و رشد اقتصادی را نیز به دنبال خود دارد، اشتغالزایی و توسعه کسب‌وکارهای متنوعی است که شاید پیش از آن در آن محل وجود نداشته یا حداقل ابعاد کوچکتری داشته است. مشاغل وابسته به هتل‌ها و رستوران‌ها، سیستم‌های حمل‌ونقل، مراکز خرید، صنایع دستی، سوغات و محصولات محلی، مشاغل مربوط به مرمت و حفاظت، خدمات راهنمای تور و آموزش هنرهای سنتی و غیره از این جمله‌اند.

از دیگر مزایای ثبت میراث فرهنگی و افزایش گردشگران می‌توان به افزایش دستمزدها و افزایش سود کاسب‌ها، بالا رفتن قیمت املاک و زمین‌های اطراف حوزه میراث، تولید درآمد برای شهرداری‌های اطراف و درآمدهای حاصل از بازدید سایت‌های میراث فرهنگی، فرصت‌های کارآفرینی، ایجاد موسسات گردشگری، افزایش فعالیت‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی داخلی و خارجی، ورود ارز به کشور، افزایش صادرات و در نهایت افزایش چشمگیر تولید ناخالص ملی اشاره کرد.

بدیهی است این توانبخشی محلی، مستلزم ایجاد زیرساخت‌های سختی مانند هتل، رستوران، حمل‌ونقل و غیره و همچنین زیرساخت‌های نرمی مانند فرهنگی، آموزشی، امنیتی و... است که بدون همکاری دولت و بخش خصوصی میسر نمی‌شود.

البته میراث فرهنگی، علاوه بر سودآوری، هزینه‌بردار نیز است و این هزینه‌ها به‌منظور مرمت، نگهداری، کنترل، حفاظت و بسترسازی پرداخت می‌شوند، اما پر واضح است که هزینه‌ها با توجه به سود کلانی که از طریق این صنعت وارد کشور می‌شود، ناچیز خواهد بود.

امید آن می‌رود که خبر خوشی که در روزهای اخیر در مورد ثبت جهانی «مجموعه قنات ایرانی» به عنوان سومین اثر مجموعه‌ای پس از باغ‌های ایرانی و کلیساهای ارامنه شنیده‌ایم، تلنگری باشد تا به بحث گردشگری و بسترسازی آن جدی‌تر پرداخته شود. مجموعه قنات‌ها، پتانسیل جذب گردشگران فراوان داخلی و خارجی و ایجاد تحول بزرگ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان این مناطق را خواهند داشت.

نگاه

پاسخ به یک پرسش کلیدی

چرا باید قنات در میراث جهانی ثبت می‌شد؟

امین محمودزاده | عضو شورای فنی مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

از فردا، قنات‌گردی باب می‌شود، زیرا گمان می‌کنیم ثبت جهانی قنات، تنها گردشگری قنات به ارمغان می‌آورد. اما اگر نگاه‌مان این باشد، تنها بخشی از درآمد سرگردانی نصیب‌مان می‌شود که باید با برنامه‌ریزی به چنگ بیاید که اغلب نمی‌آید. ولی با نگاه عمیق‌تر می‌توان تجربه‌های ارزشمند منحصربه‌فردی در هر اثر ثبت جهانی یافت. در نظام آبی شوشتر، تجربه استفاده از انرژی پایدار در زندگی، در میدان نقش جهان، تجربه شهرسازی ایرانی اسلامی و... یادگیری این تجربیات، ما را اهل سرزمین‌مان می‌کند و با یادآوری شیوه برخورد نیاکان‌مان در مشکلات عادی و غیرعادی در طول هزاران سال، ما نیز شریک و همراه این سرزمین خواهیم شد. حال قنات چه تجربیاتی برای ما خواهد داشت؟

مدیریت بهینه منابع آب

قدیمی‌ترین سند مکتوب بحران آب در این سرزمین متن نبشته داریوش اول، پادشاه هخامنشی در کتیبه بیستون کرمانشاه است. او در بخشی از این کتیبه دعا می‌کند که «پروردگار، این سرزمین را از خشکسالی حفاظت کند». این نشانه چندهزار ساله از کمبود آب در ایران است. برای رفع این بحران، ایرانیان سیستم قنات را ساختند که به‌دور از گرما، آب را از کیلومترها آن‌طرف‌تر (در قنات زارچ مهریز یزد، هشتاد کیلومتر) با استفاده از شیب زمین و در طول یک یا چند سفره آب زیرزمینی جمع‌آوری می‌کند. در قلب این سیستم، مدیریت پایش و تعمیرات مستمر وجود دارد که با استفاده از پتانسیل فرهنگی-اجتماعی، بدون دخالت دولت‌ها، به‌خوبی راه خود را از پس هزاران جنگ، مشکل و خشکسالی به‌سمت امروز گشوده است. به این شکل، ایرانیان سیستم پایداری توسعه‌پذیر و منعطف، طراحی و اجرا کرده‌اند تا به ما درس مدیریت پایدار منابع اندک آب در این سرزمین را بدهند.

عدالت و تعادل

قنات مظهر عدالت در جمع‌آوری و توزیع آب و چاه، مظهر خودخواهی است.

چاه عمیق، سرنگی است که در تن سرزمین‌مان فرو کرده، از تمامی سفره‌های زیرزمینی، گاه تا عمق دویست متری، آب را با یاری پمپ‌های قوی برای خودمان نه همسایه‌مان، استفاده می‌کنیم. اگر در یک دشت، مسابقه چاه من، چاه عمیق‌تر و پمپ قوی‌تر ایجاد شود، سرانجامش دشت پرثمر دیروز مرودشت خواهد شد که امروز با پدیده بی‌آبی و فروچاله‌ها درگیر است و این اوج خودخواهی و نهایت بهره‌کشی و عدم تعادل میان بهره‌بردار و سرزمینی با منابع محدود است. اما قنات، موجب پایین رفتن سریع آب در سفره‌های دیگر نمی‌شود و مابقی منابع آب را برای روز مبادا، برای همه و خود این سرزمین باقی می‌گذارد. آب جمع شده به دست میرآب‌ها رسیده و اینان با سیستم تقسیم‌بندی پنگان و استفاده از جوی و حوض‌های پخشاب و آب‌انبارها و... آب را به‌دست هر کس و همه کس می‌رسانند و این عین عدالت و تعادل در حق زمین و مردم ساکن در آن است. تعادلی اکولوژیکی، میان بهره‌بردار و منبع اصلی.

هنرمند

کشور ما امروز با علوم و ابزار پیشرفته روز دنیا آشناست، حتی کارگران ساده جهت بالابردن بهره‌وری و کارایی با پیکور بادی زمین را می‌شکافند. حال اگر کارگر پیکور با قطع برق مواجه شود، توان کندن زمین را با دست نخواهد داشت، زیرا او کاربر ابزار است، نه مسئول نتیجه. اما در دوران ساخت و بهره‌برداری از قنات‌ها، ابزار ساده در خدمت کاربر برای رسیدن به نتیجه بوده و این مفهوم به‌جز مسئولیت‌پذیری، هرگونه استفاده از ابزار را مجاز خواهد کرد و یک ابزار، تنها یک عملکرد نداشته، دارای ده‌ها کارکرد خلاقانه خواهد شد. کلنگ می‌تواند مقیاس دهانه چاه باشد و شاقول می‌تواند به مسیریابی، یاری رساند (فن راستی دیدن در حفر قنات). امروزه تا تنگنایی حیاتی به‌وجود نیاید، هنرمندانه از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای موجود راه خود را نمی‌گشاییم. اما از شواهد قنات این گونه برمی‌آید که نیاکان‌مان به این تنگنا رسیده بودند. (این یک هشدار تاریخی است). ایرانیان به‌عنوان مثال در قنات زارچ حدود (صدوچهل و چهارمیلیون کیلوگرم) خاک را با دست کنده و جابه‌جا کرده‌اند. آنها به اجبار از چند ابزار ساده، معجزه آفریده‌اند. اینان با بیل، کلنگ، دلو، چرخ چاه و ریسمان، نظام و سازه‌ای آفریده‌اند که از نظر کوشش، فناوری و همچنین دانش مدیریت منابع آب، ارزش ثبت در لیست برترین تفکرات میراثی جهان را یافته است.

استادکاران قنات به درجه‌ای از هنرمندی رسیده‌اند که از حدود تعیین‌شده فیزیکی و شیمیایی خاک و انسان عبور کرده و از خاک کیمیا ساخته‌اند. این امر با سختکوشی، شناخت ریزبینانه، درک از کل به جز و خلاقیت صورت می‌گیرد. آنها تمامی توان خود را در بهره‌گیری از شرایط، جهت رسیدن به نتایج، صرف کرده‌اند.

ایرانیان، قنات، این شکوه فناوری با ابزار ساده را طراحی، اجرا و به‌مدت نسل‌های متمادی مدیریت کرده‌اند. اینان عمیق و ملموس، کلنگ، بیل و آب این سرزمین و مردم آن را می‌شناختند و آن‌قدر این شناخت عمیق بوده که مقنی‌های ایرانی، هنرمند شناخت خود و سرزمین‌شان شده‌اند. هنرمند در فهم ابزار، مکان آب، مکانیک خاک، سازه، اکولوژی و از همه پراهمیت‌تر قدرت پتانسیل‌های اجتماعی و فرهنگی این سرزمین، زیرا آنها مانند معماران سنتی، بومی و... اهلی این سرزمین شده بودند.

اینان به ما یادآوری می‌کنند که ما نیز برای ایجاد تعادل با این بروبوم باید، مسئول، خلاق، اندیشمند، سرسخت و آینده‌نگر باشیم و بدانیم که این سرزمین زیبا به‌اندازه می‌بخشد، اگر ما نیز شیوه برخوردمان را عوض کنیم و به او ببخشاییم.

باید قنات ثبت جهانی می‌شد تا دوباره به مدیریت آب اندک‌مان بیندیشیم و راه‌حل‌های جدید را بر پایه ارزش‌های پایدار چندهزار ساله بنیان کنیم.

مردم سررود آب را می‌فهمند
گل نکردنش، مانیز
آب را گل نکنیم

یادداشت

پرونده‌ای درباره بیستمین اثر ثبت‌شده ایران در میراث جهانی یونسکو

ثبت قنات‌ها در جهانی تشنه آب

علی رنگچیان | عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه سمنان

امسال ایران با ثبت مجموعه قنات‌ها به عدد ۲۰ در فهرست میراث تاریخی و فرهنگی رسید. ثبت مجموعه‌ها گرچه خطر پراکندگی و آشفتگی را در پی دارد، اما در صورت تامل و تدبیر می‌تواند به تمرکز و ارایه سیاست‌های مدیریتی واحد حفاظتی منجر شود. چهلمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در کشور همسایه ترکیه به ثبت بیستمین اثر ایران در این فهرست منجر شد. اثری که یکی از افتخارات مهندسی ایرانی در طول تاریخ است. نگاه مجموعه‌ای به ثبت در این اجلاس بسیار پررنگ بود و جالب این که مجموعه‌هایی در قالبی فراتر از مرزهای یک کشور در این فهرست به ثبت رسید: «آثار معماری مدرن لوکوربوزیه» در ۷ کشور و «سنگ‌قبرهای قرون وسطایی» در ۴ کشور. در مجموعه‌ها نیز علاوه بر قنات‌های ایرانی، مجموعه غارهای «Gorham» بریتانیا و مجموعه مدرن «Pampulha» برزیل به فهرست آثار جهانی افزوده شدند. درنهایت ثبت جهانی بهانه‌ای است برای بازنگری در اندوخته‌های سرزمینی نیاکان و بازشناخت دانشی که شاید راه نجاتی باشد برای معضلات امروزمان.